

جیمز باند به قم می رود- قسمت سوم

اورانیوم غنی می کنیم! تنگه هرمز می بندیم!

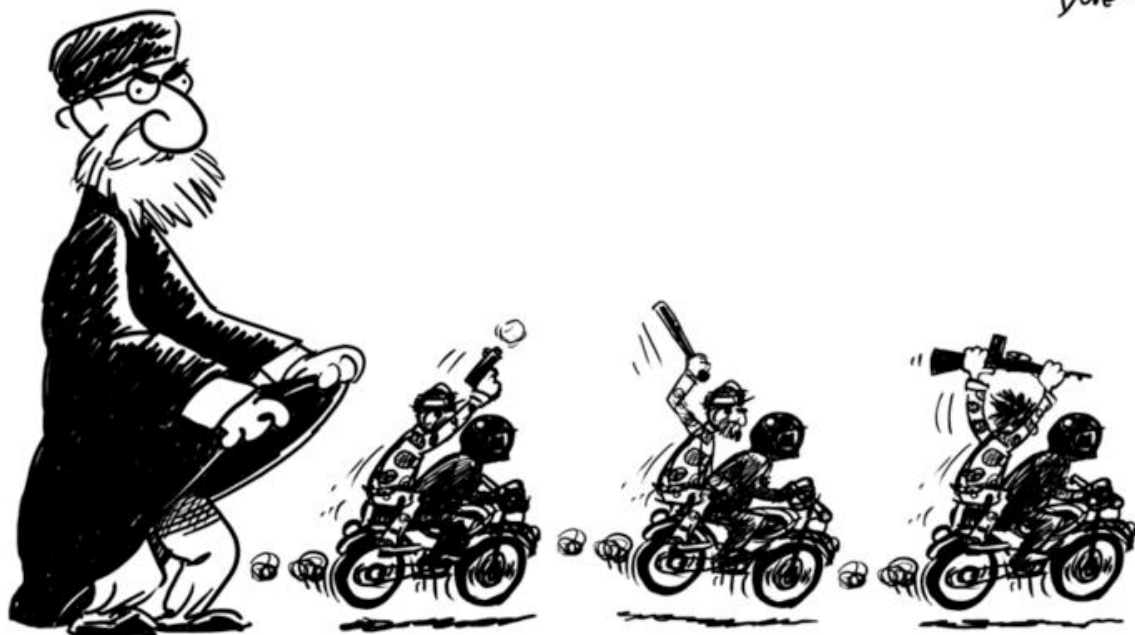
نگارنده: فقط ابن سقط ابن موش آبادی

mosh2abadi@gmail.com

جیمز باند پس از شنیدن پیشنهادات احمدی نژاد و قالیباف (نگاه کنید به قسمت قبلی: http://www.dialogt.org/fileadmin/user_upload/MoshAbadi/mosh_abadi_7.pdf) در مورد قلقلک روحیه ناسیونالیستی و ایده بستن تنگه هرمز، دید که برای فروش بیشتر تسلیحات در منطقه خاورمیانه، ایده بدی نیست که فقط الهی‌ها دوباره برطبل جنگ بکوبند! قرار شد، برای انحراف افکار مردم، اخبار داخلی و انتشار افتضاحات درون حکومتی را به حاشیه برانند و اخبار نظامی و رجز خوانی اتمی را به سرتیر روزنامه‌هایشان بچاپند. البته ما برای مشاوره خبرنگارباشی را برای کمک به جیمز و دامن زدن به جنگ روانی برعلیه شورشیان، کفار و کمونیستها فرستادیم. فقط الهی‌ها هم گفتند که «ما ختم جنگ روانی هستیم!» خبرنگارباشی را گرفتند و برای ارشاد به کلاس شکنجه روانی از طریق آموزش اجباری معارف اسلامی فرستادند که در روزنامه کیهان تهران تشکیل شده بود:

خبرنگارباشی دید که چند تا بخت برگشته، مثل خودش در کلاس اجباری بودند. سر و صورت یکی زخمی و کبود بود، یکی دیگر کف پایش سیاه، ورم کرده و کبود بود، یک خانمی هم با چادر اجباری در یک گوشه نشسته بود که مدام چادر سیاهش از روی سرش می‌افتاد و پاسدارها به طرفش هجوم می‌آوردند تا از به باد رفتن اسلامشان جلوگیری کنند!

مراسم با دادن شعار و نشان دادن تصویری از رهبر فقط الهی‌ها، سیدعلی منقلی، آغاز شد:



صدر انقلاب فقط الهی، فقط تحت رهبری سیدعلی منقلی!

سخنران از مجلس اسلامی آورده بودند! زهره الهیان (خودش را به عنوان نماینده تهران معرفی کرد) درباب توطئه مشرکین و «برنامه‌ریزی‌های مشترک نظام سلطه، فتنه و انحراف» سخنرانی کرد و بعدش آیت الله ممدوحی، نامی را از مجلس خبرگان رهبری و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم آوردند که به توطئه دشمنان برای انتخابات آینده مجلس اشاره کرد و گفت: «اصولگرایان باید سعی کنند افرادی را در لیست خود قرار دهند که بعدها جاسوس و دین فروش از آب درنمایند!»؟! و بعد شروع کرد به نصیحت که «از آنجا که محیط رفاقتی یکی از عوامل مهم تکوین شخصیت هر انسان به حساب می‌آید... از منظر اسلامی بایستی از دوستی با افراد ناباب پرهیز کرد، نظیر: 1- کافران یا اهل ذمه 2- ظالمان و ستمگران 3- فرومایگان 4- فاجران 5- فاسقان 6- بخیلان 7- احمق‌ها 8- اشرار و... (مشق شب برای شما: ادامه اعداد تا نامتناهی و تکمیل فهرست افراد ناباب...)

اشرار افرادی هستند که شاید ظاهری زیبا دارند ولی باطنشان زشت است. امام جواد(ع) فرمودند: مبدا باشخص بدکار و تبه‌کار دوستی و رابطه برقرار کنید که او همانند شمشیر آهیخته است که ظاهری زیبا دارد ولی اثرش زشت، بد و نازیباست. (بحارالانوار، ج 74، ص 198)[نقل به معنی از روزنامه کیهان رژیم: معارف اسلامی، یکشنبه 18 دی 1390]

ناگهان حال آیت الله منقلب شد و پرید به طرف خانمی که زورکی او را برای ارشاد آورده بودند و گفت: حتی آگه خدا رو بروی ما باشه و ما را به راه راست هدایت کنه، باز ما اشتباه می‌رویم چونکه سمت راست خدا، سمت چپ ما میشه! فهمیدی خواهر؟!

خانمه برای اینکه قیافه آیت الله را نبینه، چادرش را کشید جلوی صورتش و با دست جلوی دماغش را گرفت. آیت الله هم برای اینکه سنگ روی یخ نشه؛ برگشت رو به خبرنگارباشی و گفت: شما با نظامی در افتاده‌اید که حتی امامان شیعه به آن ارادت دارند! روزی امام نقی در مجلسی حاضر شد. مریدان به احترامش از جا برخاستند. امام رو به جمعیت کرده و جنتی و مصباح یزدی را در آن میان دید و فرمود: حاج آقا ترو خدا! بفرمایید با این حالتون!!!؟

همان امام نقی می‌فرماید که سر کسانی که می‌گویند اسلام دین خشنی است قطع باید گردد! در همین اوضاع و احوال بود که روزنامه کیهان را با یک ساندویچ تخم مرغ با خیار شور و یک ساندیس مجانی بین افراد پخش کردند. خبرنگارباشی برای خوردن ساندویچ روزنامه کیهان را روی پایش انداخت تا آب خیار شور روی شلوارش چکه نکند و تازه چشمش به تیتراژ هیجان انگیز آن افتاد!

یکشنبه 18 دی 1390 - شماره 20116

کاهش قیمت سکه
و نوسان در بازار ارز

کیهان

پاسخ عملی ایران به تهدیدهای غرب

آغاز غنی‌سازی اورانیوم
در تأسیسات فردو



حکایت: شیخ ما را گفتند: فلانی بر روی آب می رود.

گفت: سهل است، ناو CVF نیز بر آب رود!

گفتند: فلانی در هوا سیر کند!

گفت: F-16 نیز در هوا پرد!

گفتند: فلانی در آنی از شهری به شهری شود!

شیخ گلویی صاف کرد و گفت: چه جای شگفت است که به گرد

"گوگل اِرس" نرسد! دیگری خواست تا چیزی بگوید که شیخ قفایی بر وی زد و گفت:

شات د فاک آپ اِوری بادی!.. این شوخ چشمی ها را بهایی نیست! مرد آنست که تمام اینها

دانسته و باز بی کله به سفارت و "خاک امانت" ایشان یورش برد، اورانیوم غنی سازد، تنگه

هرمز را ارث پدرش اعلام کند!!!

مردان چون پارت آخر را شنیدند، مویه کنان، نی در ساندیس زده سه روز و سه شب تمام

خشتک بر سر کشیدند!

و این داستان ادامه دارد...

داستان‌های من و امام؛ یا دوران طلایی؟!

توجه! توجه! این قسمت برای افراد کمتر از 18 سال، بیماران قلبی و طرفداران دوران طلایی

امام خطرناک بوده و برای عوارض جنبی آن ما مسئول نیستیم! برای دانستن عوارض آن لطفا

از داروخانه سرکوجه، بازجوی سابقان یا فقط اللهی‌ها متواری به موش‌آباد پرسید!

- کلمه امام را اگر برعکس بخوانی، می‌شود ماما، اما تو کجاشو دیدی بابا؟! صبر کن تا برات

تعریف کنم...

سرنوشت رهبران خلق ترکمن به روایت صادق خلجالی

عبداللہ فتحی می‌نویسند که: شب قبل از راهپیمایی 19 بهمن 1358 در بزرگداشت حماسه

سیاهکل، چهار تن از رهبران خلق ترکمن - توماج، مختوم، واحدی و جرجانی - دستگیر شدند

و در روز 4 اسفند روزنامه‌ها خبر دادند که این چهارتن به ضرب گلوله به شهادت رسیدند. آن

روز هیچیک از عاملان این کشتار وحشیانه، ارتکاب این جنایت را به گردن نگرفت، امّا، بعدها،

شیخ صادق خلجالی، «قاتل صدها ترکمن و کرد و فارس»، به این جنایت فجیع اعتراف کرد و

در مجلس رژیم، با افتخار! گفت: «...من با قاطعیت در گنبد وارد شدم و یکی از کارهای

برجسته و انقلابی‌ام در گنبد بود... ما دستور دادیم هر کسی را که مسلح باشد، بیاورند، که

آوردند، یکی، دوتا، سه تا، پنج تا. هرکسی را که مسلح آوردند، ما اعدام کردیم. این جریان را

که می‌گویم شاهد زنده دارم: آقای مُصَحَف، استاندار آن زمان مازندران، دادستان کل و آقای

درویش، رئیس سپاه پاسداران گنبد، آقای درازگیسو، که چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی

ایران در آلمان شرقی بود، آقای نوروزی اصفهانی ... آقای بنفشه، رئیس سپاه پاسداران

ایلام... و چه بگویم برای شما، آقای هاشمی [رفسنجانی]، حاج احمدآقا [خمینی]، شخص

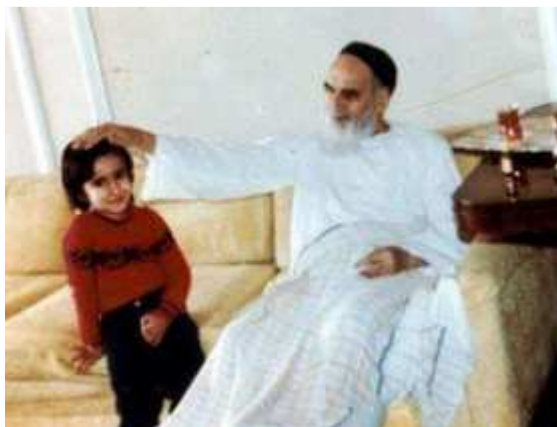
حضرت امام، خود آقای منتظری و همه مسئولین، آقای دکتر بهشتی و آقای قُدوسی... همه

میدانستند؛ آقای رفیق‌دوست هم میدانند. 94 نفر، منجمله، توماج، واحدی، مختوم، جرجانی،

اینها را بنده اعدام کردم؛ 94 نفر را اعدام کردم نه يك نفر را... من با قاطعیت اسلامی در گنبد وارد جریان شدم و خلق ترکمن را در آنجا کوبیدم...» (روزنامه آزادگان، 28 شهریور 1363)

در باب حقوق زنان و روابط جنسی

تجاوز به دختران خردسال



مسئله 12 - کسی که زوجه ای کمتر از "9 سال" دارد «وطی» او برای وی جایز نیست چه اینکه زوجه دائمی باشد، و چه متعه ، و اما سایر کام گیریها از قبیل لمس شهوت آمیز و در آغوش گرفتن و تفخیز اشکال ندارد هر چند "شیرخواره" باشد، و اگر قبل از نه سال او را «وطی» کند اگر افضاء نکرده باشد به غیر از گناه چیزی بر او نیست، و اگر کرده باشد یعنی مجرای بول و مجرای حیض او را یکی کرده باشد و یا مجرای حیض و غائط او را یکی کرده باشد تا ابد «وطی» او بر وی حرام می شود، لکن در صورت دوم حکم بنابر احتیاط است و در هر حال بنا بر اقوی بخاطر افضاء از همسری او بیرون نمی شود در نتیجه همه احکام زوجیت بر او مترتب می شود یعنی او از شوهرش و شوهرش از او ارث می برد، و نمی تواند پنجمین زن دائم بگیرد و ازدواجش با خواهر آن زن بر او حرام است و همچنین سایر احکام، و بر او واجب است مادامی که آن زنده است مخارجش را بپردازد.

تفخیز: استمتاع جنسی از ران دیگری، به مانند مالیدن آلت به آن را تفخیز گویند و از آن در باب حدود سخن رفته است.

روح الله خمینی
تحریر الوسيله جلد چهارم
کتاب نکاح مسئله 12

اینجا بهشت زیر پای مادرانی است که حقی از زندگی و فرزند و همسر ندارند. دختر و پسر اول ازدواج می کنند بعد همدیگر را می شناسند. در محضر امام، زن خوب آن است که وقتی از او می پرسند می خواهی با این آقا زندگی کنی؟ می گوید: نمی دونم هر چی بابام بگه!

آیت الله خزعلی: "حجاب موجب بالا رفتن معدل دانشجویان می شود."

آیت الله حسینی: "اگر مؤمنین غسل جمعه را انجام ندهند، مشکلات کمبود گاز مرتفع نمی شود."

حکایت

از امام نقی (ع) پرسیدند زندگی چند ضلع دارد؟ فرمود 4 ضلع. خوردن و خوابیدن و ورد خواندن و ملعبه با کنیزان (از کتاب زندگی نقی/ ضلع چهار)

روزی مردی سراغ امام آمد و گفت: یا امام، من با زنی همکار هستم و در موقع کار دست و بدنمان به هم میخورد. تکلیف چیست؟

امام فرمود بیارش اینجا ببینیم ارزش فتوا داره یا نه...!!!؟ (کتاب امام و ملاحظات قبل از فتوا جلد 15 صفحه 42)

امام جمعه شیراز: "گرانی خانه باعث شد جوان پاک ما به جای مسکن، دوست دختر و دوست پسر بگیرد."

شخصی از امام نقی پرسید جماع با گرگ چه حکمی دارد؟

پاسخ داد: معصیت است لکن جماع کننده لایق نشان شجاعت است

شخصی از امام نقی پرسید جماع با خرس نر چه حکمی دارد؟

پاسخ داد: انسانی که طلب جماع با خرس کند، حقاً کارش مشکل دارد، پس باید گذاشت تا مشککش را خرس حل کند تا شاید که آرام گیرد

شخصی از امام نقی پرسید جماع با شیر ماده در مقابل دیدگان شیر نر چه حکمی دارد؟

امام پاسخ داد: حکم عملیات شهادت طلبانه

شخصی از امام نقی پرسید جماع با کرگدن چه حکمی دارد؟

امام پاسخ داد: تو چی مصرف می‌کنی میای این سوالا رو می‌پرسی؟

دیدنی‌ها

صمد آقا و عکس آقا در ماه (پرویز صیاد و هادی خرسندی):

http://www.youtube.com/watch?v=UAg_Hvix8zw&feature=player_embedded

موش‌آبادی و خوانندگان

شعری از رهیاب تحت عنوان وصف حال، از شورشیانی که در چند هفته اخیر دارد سر به سر ما می‌گذارد، به دست ما رسیده است:

ما

اگر حالمان خوش نیست

نه از آنروست که ناخوش احوالیم!

ما

چندان از سرچشمه ی آینده نوشیدیم
که جام حال مان
در انتظار سرکشیدن
خشکید!
آنک!
گذشته است که بر کوله بارمان
بردوش میکشیم!
عسلویه ۸۳/۱۱/۲۴

در نامه‌ای دیگر، اهالی قریه «شیخ آباد متحد» از توابع ولایت موش آباد، طی نامه‌ای طولانی نوشته‌اند:

حضرت مستطاب فقط ابن سقط ابن موش‌آبادی!

ما اهالی شیخ‌آباد متحد، ضمن محکوم کردن جدایی طلبان «شیخ آباد سفلی»، «شیخ آباد علیا» و «شیخ آباد میانه»، آنان را از سرقت اموال ادبی شیخ‌آباد که «فقط و فقط» به شیخ - آباد متحد تعلق دارد برحذر می‌داریم. بخشی از حکایات «شیخ ما» را جهت اندز و پندگیری برایتان ارسال می‌کنیم:

آورده‌اند که : هدفمندی یارانه‌ها تاثیر چندانی بر قیمت مسکن ندارد. شیخ را گفتند: این تاثیر "نه چندان زیاد" چقدر است؟ شیخ فرمود پنجاه شصت میلیون! و مریدان گریستند و یقه را پاره کردند .

شیخ را گفتند: نیاز به مسکن کم شده.
شیخ بگفت: و نیاز به قبر زیاد!
و مریدان گریستندی.

گفتند: قیمت زرد آلوی آذربایجان 5500 است.
گفت: خب نخرید.
مریدان سر به دیوار کوفتندی.

روزی پرسیدند فزودن قیمت گاز از برای چیست؟
فرمود از برای رونق نساجی و هاکوپیان.
و مریدان همی گریستند.

روزی شیخ از بازار گذر کردی ، گوسفند مذبوحی را دید در قصابی آویزان و مردمان هیچ یک توان و یارای خرید نداشت. شیخ فرمود: عمر این گوسفند بعد از مرگ درازتر است از عمرش قبل مرگ. و مریدان مدهوش گشتند و نعره ها زدند.

شیخ روزی با مریدان از بازار میوه فروشان گذر کرد و گیلاسی دید که کرمی در آن لولیده و به ولع تمام گیلاس همی خورد. شیخ گریست و فرمود : خوشا به آن کرم و توانگریش . عمری زیستم و نتوانستم چارکی گیلاس بخرم.

دست ما کوتاه و خرما بر نخیل
آسمان و زمین بر ما شده بخیل
و مریدان رم کردند و سر به بیابان گذاشتند.

روزی از شیخ پرسیدند اگر زنان همه چادری و تمام حجاب شوند دیگر چه چیز
مردان را فاسد کند؟
گفت: دماغ زنان!
و مریدان فغان کردند و نعره‌ها زدند.

در ظهر تابستانی شیخ فرمود: هوا بس ناجوانمردانه گرم است.
و مریدان گریستند.
شیخ گفت: زقنبوت! هرچه که من می‌گویم که نباید بگریستید!
و مریدان غش غش خندیدند!

پس در آمد!

نگارنده این سطور از خاندان محترم و فرهنگ پرور «فقطیه» است که در عالم هنر و فرهنگ بنیانگذار مکتب «فقط گرایان» شناخته می‌شوند. جدّ بزرگم «فقط خان»، از زورگویان به نامی بود که هر نظری را بر مخاطبین دهات «فقط آباد» و حومه، درست یا غلط، حقنه می‌کرد. فقط خان که روانش شاد باد، در هنگام تولد پدر بزرگوارم، دارفانی را وداع گفت. در روایات است که می‌خواست نام پدرم را نیز فقط بگذارد ولی چون داشت جان را به جان آفرین می‌سپارد، نتوانست «فقط» را درست تلفظ کند و اطرافیان خِرخر جان سپردن «فقط خان» را با نام پدر بزرگوارم اشتباه گرفتند و نامش را «سقط» نهادند... باری، روزگار بر سقط خان به خوشی نگذشت و با شورش اهالی نایاب «فقط آباد»، که این روزها نیز در سایر دهات اطراف شورش برپا می‌کنند، از سرزمین آبا و اجدادی رانده شدیم. نمک ناشناسی این قوم، چنان بود که هیچ دهی به سقط خان، محلی برای اسکان نداد. ما به ناچار به سرزمین «موش‌آباد» آمدیم. در همان ایام بود که خاندان «فقطیه» به «موش‌آبادی» تغییر نام داد. من، به عنوان وارث بلافضل، «فقط خان» و «سقط خان»، برای زنده نگهداشتن میراث معنوی خاندان «فقطیه» می-کوشم، گرچه دوستان و آشنایان مرا «موش‌آبادی» صدا می‌کنند...

معرفی شخصیتها

شخصیتهایی که تاکنون با ذکر خیر آنها در داستانهای مارتا هاری و جیمز باند آشنا شده‌اید:

فقط ابن سقط ابن موش‌آبادی: نگارنده این سطور، نوه فقط خان بزرگ و فرزند ارشد سقط خان

مارتا هاری و جیمز باند: ماموران ارشد ما در خاموش کردن قائله گردهمایی شورشیان

شعبان بی مخ و فاطمه ارّه: ماموران دعوت شده برای کمک به جیمز و مارتا

ادیب السلطنه: صاحب مغازه ادبستان که برای صافکاری و رنگ مطالب شعبان خان و امثالهم کار می‌کند

گودرز شقاقی: از قوم مَشَنگ‌ها (دوستداران مه‌رتابان)

اهالی توشینو:

سرکار خانم عزت السلطنه (از نوادگان خانواده تاج ملوک خانم و اقدس الممالک)،

مادر فولاد زره ما که فعلا زیانمان قاصر است ایشان را توصیف کنیم، همین جوری خودش را درمیان اهالی توشینو به ما تحمیل کرد!

خبرنگار باشی و حشمت‌خان از اهالی توشینو، قریه ابن الوقتها.

مامور خفیه نویس بی حیره و مواجب می پذیریم!

با توجه به اینکه ماموران ما، اغلب حال کار کردن و نوشتن ندارند! از عموم خوانندگان علاف دعوت می‌کنیم به قوای ماموران خفیه نویس موش‌آباد پیوندند و با عکس، کاریکاتور، نوشتجات دست چندم که گاهی خنده را نیز برلب می‌آورد، ما را یاری کنند تا بتوانیم دخل این بلشویکی‌ها را بیاوریم! اگر دلتان خواست، از طریق ای میل mosh2abadi@gmail.com با ما تماس بگیرید. علاوه بر این روی فیس بوک نیز می‌توانید به قوای موش‌آبادی پیوندید:

<http://www.facebook.com/people/Mosh-Abadi/100003296368084>

فقط ابن سقط ابن موش آبادی

8 ژانویه 2012

18 دی ماه 1390